



Comparing the Islamic State with the Secular and Liberal Governments of the West: A Civilizational Perspective

Seyed Ebrahim Sarparastsadat*

Received on: 19/11/2021

Accepted on: 16/03/2022

Abstract

The question of how and why the Islamic States are in the lap of Islamic civilization is the subject of this study. The purpose is to compare the Islamic state with secular and liberal governments, i.e., modern Western governments, to determine the Islamic state's characteristics. This comparison is based on the assumption that the state is one of the outputs of any civilization. The research method is documentary, and the related materials have been collected, compared, and analyzed. Through comparing the Islamic state with the characteristic of the Ummah-Imamate with the modern Western state with the secularist and liberal face, it was found that the Islamic state can be characterized by features such as religious interest versus modern interest, happiness of religion ending, the world and the hereafter life against the material ending, the tool of knowing the power against power for power, Sovereignty and domination of the school of Islam against non-commitment to the holy school, guardianship of the Imam and his successor against lack of guardianship, presence as a nation and citizen against presence as a mere citizen, and religious rationality versus human self-founded rationality. The findings also show that the state's capacity in the Islamic model is so large that it cannot fall within the scope of the definition of the model of the nation-state theory, which is the basis of secular and liberal governments in Western civilization. It can be concluded that the Islamic state, with its ummah-Imamate feature, has provided a great potential for the presence of Islamic civilization in the political future of the world, which can play its role in this direction by resisting its principles and points of difference with secular and Western governments.

Keyword: state, civilization, Islamic state, ummah-Imamate, nation-state, secular state.

* Assistant Professor of Political Science, Allameh Tabataba,i University.

(Corresponding Author) sarparastsadat@gmail.com

 0000-0002-9875-8543



مقایسه دولت اسلامی با دولت‌های سکولار و لیبرال غربی: چشم‌انداز تمدنی

سید ابراهیم سرپرست سادات *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

چکیده

پرسش از چندوچون دولت اسلامی در دامن تمدن اسلامی، مسأله این نوشته است و در این راستا، هدف این مقاله مقایسه‌ی دولت اسلامی با دولت‌های سکولار و لیبرال یعنی دولت‌های مدرن غربی است، تا از قِبل آن به مختصات دولت اسلامی در مقام مقایسه دست یازد. این مقایسه، مبتنی بر آن مفروضی است که دولت را یکی از خروجی‌های هر تمدنی می‌شناسد. روش پژوهش، اسنادی است و مطالب مرتبط جمع‌آوری شده، به مقایسه و تحلیل گذارده شده است. با مقایسه‌ی دولت اسلامی با وجهی امت - امامت با دولت مدرن غربی با وجهی سکولاریستی و لیبرالیستی، در این مقاله به دست آمد که دولت اسلامی را می‌توان با ویژگی‌هایی مانند «علقه مکتبی در برابر علقه مدرن»، «غایت سعاد دین، دنیا و آخرت در برابر غایت دنیوی»، «ابزار دانستن قدرت در برابر قدرت برای قدرت»، «حاکمیت و جریان و استیلابخشی به مکتب اسلام در برابر عدم تعهد به مکتب قدسی»، «ولایت امام و جانشین او در برابر عدم ولایت»، «حضور به‌عنوان امت و شهروند در برابر حضور به‌عنوان شهروند صرف»، «ابتنای بر عقلانیت دینی در برابر عقلانیت خونیاد بشری» بازشناخت. بررسی‌های این مقاله همچنین نشان داد که ظرفیت دولت در الگوی اسلامی، بیشتر از آن است که در تعریف الگوی نظریه‌ی دولت - ملت که پایه‌ی دولت‌های سکولار و لیبرال در تمدن غربی است، بگنجد. از نظر این نوشته، دولت اسلامی با وجهی امت - امامت آن، ظرفیت فراوانی برای حضور تمدنی اسلام در آینده‌ی سیاسی جهان تدارک دیده است که با مقاومت بر اصول و نقاط تمایز خود با دولت‌های سکولار و غربی و با کارآمدی، می‌تواند نقش خود را در این راستا ایفا نماید.

کلمات کلیدی: دولت، تمدن، دولت اسلامی، امت - امامت، دولت - ملت، دولت سکولار.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. (نویسنده مسئول)

بیان مسئله

دولت از نظر پژوهشگران، یکی از پربسامدترین واژه‌های حوزه‌ی عمومی و علم سیاست و از لحاظ تاریخی، یکی از تأثیرگذارترین نهادهای تاریخی و مظهر رابطه‌ی قدرت سیاسی و حاکمیت است. در عین حال به باور برخی از آن‌ها درباره‌ی ماهیت یا چیستی این مهم‌ترین نهاد زندگی اجتماعی، مواضع روشنی وجود ندارد و آنچه که مخصوصاً در ایران وجود دارد کلی و مبهم هستند (گل محمدی، ۱۳۹۴، ص ۵۷) اما برخی از تحقیقات مقایسه‌ای در این راستا کمک کننده هستند. این مقاله با بهره‌گیری از ادبیات موجود، با رویکردی توصیفی - تحلیلی و روش مقایسه‌ای و باهدف برداشتن گامی در ابهام‌زدایی از این مفهوم و غنابخشی به حوزه‌ی عام این بحث، در ادامه‌ی مقاله‌ی «دولت» از همین نویسنده که پیشتر برای بازشناسی همه‌ی تلقی‌ها و تعابیر آن به نگارش درآمده است، به مقایسه‌ی دولت در سپهر تمدنی اسلام و دولت نوین غربی در قالب‌های لیبرالیستی و سکولاریستی می‌پردازد. در واقع مهم‌ترین پرسش این نوشته از تفاوت‌ها و تمایزات دولت در دو سپهر تمدنی اسلام و غرب است که با تأکید بر دو الگوی نظام امت - امامت و نظریه دولت - ملت انجام می‌پذیرد. «نظریه امت - امامت به‌عنوان بدیل شیعی نظریه دولت - ملت به شمار می‌آید. این نظریه از منابع دینی استخراج شده است و می‌توان تلاش‌هایی برای اجرای آن را در سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) و امیرالمؤمنین (ع) یافت. بر اساس بررسی‌های عمید زنجانی، در کتاب‌های شیعیان می‌توان ریشه‌های این نظریه را در آثار شیخ مفید جستجو کرد، سپس شیخ طوسی این نظریه را تثبیت نمود. منظور از نظریه‌ی امت - امامت، نظامی سیاسی است که بر پایه‌ی سه عنصر «حاکمیت مکتب»، «ولایت امام» و «حضور امت» شکل می‌گیرد و عضویت در امت اسلامی در گرو اعتقاد به اسلام و علقه ایمانی میان اعضای آن است.» (نیکونهاد و مکارم، ۱۳۹۹، ص ۷۲) درحالی‌که برخی از نویسندگان مقالات کتاب «دولت مدرن در ایران» (افضلی، ۱۳۹۵) بر این باورند که دولت مدرن در ایران از آغاز سلسله پهلوی بر عرصه‌ی سیاسی ایران سایه گسترده است و نظام دولت - ملت آن‌چنان بر عرصه‌ی سیاسی سایر فرهنگ‌ها سایه انداخته که همچون غرب، بخشی از نظام سیاسی - فرهنگی آن‌ها محسوب می‌شود و صاحب‌نظران سیاسی در نظام‌های فرهنگی مختلف آن را به‌مثابه پدیده‌ی سیاسی بومی مطالعه می‌کنند، ضرورت این نوع مطالعات در اندیشیدن به خروج از گفتار دولت‌های غربی و تلاش برای مطالعات بومی و بومی‌سازی این مفاهیم است. به‌طورقطع، دولت در وجهه امامت و امت آن، در دامان دولت در تمدن اسلامی است، چنان‌که دولت در چهره‌ی

لیبرالیستی و سکولاریستی آن، امروزه نماد روشنی از دولت در تمدن غربی هستند، البته این بیان پژوهشگران درست است که دولت سکولار، ضرورتاً دولت لیبرال نیست و دولت لیبرال قطعاً سکولار است، اما بدون ضرورت ورود در این نوع مجادله‌های مفهومی، آنچه برای این نوشته مهم است، این است که دولت در وجهی اسلامی آن در برابر دولت‌های مدرن غربی در چهره‌ی لیبرالیستی و سکولاریستی آن قرار دارد. در اینجا به مقایسه‌ی دو دولت پرداخته خواهد شد و البته مقایسه‌ی تفصیلی، فراتر از گنجایش یک مقاله است، همچنین در اینجا منظور از دولت، همه‌ی نهادهای حکومتی اعم از اجرایی، قانون‌گذاری، قضایی، نیروهای نظامی و امنیتی دولت هستند که به تعبیر وبر، استفاده‌ی انحصاری از زور را به صورت مشروع در جغرافیای معینی ادعا می‌کند (Weber, 1958:78). در حال حاضر در اینجا با مقایسه‌ی دولت‌ها در برخی از عناوین اصلی طرح بحث و مقایسه‌ی نخستین صورت می‌گیرد، تا در تحقیقات بنیادی موسع دیگر با جزئیات بیشتر پی گرفته شود.

۱. پیشینه‌ی تحقیق

حامد نیکونهاد و روح‌الله مکارم (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «تأملی بر چالش‌های نظام امت امامت در تلافی با اقتضائات دولت مدرن در نظم حقوق اساسی جمهوری اسلامی»، به ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در کاربست الگوی امت-امامت پرداخته است. افشین زرگر (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «مدل‌های دولت‌سازی از مدل اروپایی تا مدل اوراسیایی»، با توجه به اهمیت فراوان موضوع دولت-ملت‌سازی در جهان کنونی که منشأ بسیاری از ناآرامی‌های موجود در جهان را به طور مستقیم و غیرمستقیم بدان مرتبط دانسته است، به دولت-ملت‌سازی پرداخته است. حسین سلیمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ی «دولت-ملت‌های مدرن و نسبت آن با منازعه»، دولت-ملت را به عنوان نهاد قدرت سیاسی مدرن حاوی نوعی خشونت سازمان‌یافته دانسته است که در شکل کلاسیک خود آن را بازتولید می‌کند. از نظر وی، خشونت‌های فراگیر در تاریخ معاصر بشر به گونه‌ای در این نهاد مدرن، ریشه دارد. در کتاب «دولت مدرن در ایران» (افضلی، ۱۳۹۵)، دولت مدرن، شکل خاصی از نظام سیاسی و فرهنگی اروپا دانسته شده است. حسین پور، شریف‌زاده، قربانی زاده و زال (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با

رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی (با محوریت بیانات مقام معظم رهبری)، تلاش کرده‌اند به بازشناسی و ارزیابی مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی بپردازند. از نظر نویسندگان این مقاله، خط‌مشی‌های عمومی دولت اسلامی بایستی چنان تدوین شود که در آن به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، منافع و مصلحت عامه مردم، عوامل تعیین‌کننده‌ی حدومرزها، انعطاف و آینده‌نگری، اخلاق‌مداری، شفافیت و روشنی، قابلیت انطباق، قابل فهم بودن و مسائل و مشکلات عموم مردم توجه شود، تا با گذر از دولت اسلامی و تحقق جامعه‌ی اسلامی، زمینه‌ی ایجاد تمدن نوین اسلامی محقق شود. تقی پارسامهر (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «نقش دولت تمدنی در کارآفرینی: چهارچوبی برای آینده‌ی جمهوری اسلامی ایران»، کنش نهادی و سیاست‌گذاری دولت تمدنی در پی‌ریزی ترتیبات نهادی جدید به‌منظور خلق کسب‌وکارها و کارآفرینی را بررسی کرده است، یافته‌ی مهم مقاله این است که دولت تمدنی باید از طریق نقش تحول‌نهادی خود، مسیری گذار به کسب‌وکارهای آینده را هموار سازد. برخی از این نوع نوشته‌ها به الگوی نظام امت و امامت پرداخته‌اند، برخی در مدل‌های دولت‌سازی نیز آن را ذکر نکرده‌اند، برخی نیز به مشکلات و چالش‌های الگوی دولت-ملت پرداخته‌اند. برخی نیز، ابعاد و جوانب ناقص زمینه‌های شکل‌گیری فرایند تکوین و کارکردهای دولت مدرن در ایران را محل توجه قرار داده‌اند. برخی از نوشته‌ها اهداف خاصی چون تدوین خط‌مشی‌های عمومی دولت یا کارآفرینی را به بحث گذارده‌اند، این نوشته ضمن بهره‌گیری از این پژوهش‌ها، در تلاش است تمرکز خود را به مقایسه‌ی دو الگو یعنی دولت اسلامی با تأکید بر نظریه‌ی امت-امامت و دولت غربی بر پایه‌ی دولت-ملت و چهره‌های لیبرالیستی و سکولار آن بگذارد، تا با بازشناسی مقایسه‌ای بیشتر دولت اسلامی در برابر دولت غربی، در چشم‌اندازی تمدنی، روزه‌ای برای خروج دولت اسلامی، از زمینه و گفتار دولت مدرن غربی بازگشاید.

۲. روش‌شناسی

روش تحقیق، ترکیبی است؛ در گام نخست، اسنادی است، یعنی تحلیل آن دسته از مستندات که شامل اطلاعات درباره‌ی پدیده‌هایی است که محقق به مطالعه‌ی آن‌ها می‌پردازد (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴، ص ۶۵) و در گام دوم، روش مقایسه‌ای است که برای ارتقای معرفت،

جلوگیری از تعمیمات بی جا و استفاده از تجارب دیگران، روش پراهمیتی است. با توجه به نقاط قوت و ضعف روش‌های سنتی^۱، موردی^۲ و آماری^۳ می‌توان مدعی شد که اگر پژوهشگر در پی تدوین نظریه و سنخ‌شناسی باشد می‌تواند این روش را به کار گیرد. (هرسیچ، ۱۳۸۰، ص ۱۵) روش مقایسه‌ای به بیان سارتوری مقایسه‌ی سیستم‌ها، سیاست‌ها و جوامع برای شناسایی موارد تشابه و تمایز از یکدیگر است. (هرسیچ، ۱۳۸۰، ص ۱۱) این مقاله، با اتخاذ روش اسنادی و مقایسه‌ای به دولت در سپهر تمدن اسلامی و غربی خواهد پرداخت و آن‌ها را با عطف به نظام امت و امامت و دولت-ملت، مقایسه و به بحث و سنجش خواهد گذارد.

۳. چارچوب مفهومی: دولت و تمدن

تمدن‌ها با چه مواردی ساخته و شناخته می‌شوند؟ پژوهشگران مختلفی، پاسخ‌های متعددی به این پرسش داده‌اند. بدون تردید، یکی از این پاسخ‌ها، داشتن دولت اختصاصی مثل زبان اختصاصی و مذهب اختصاصی است. مؤلفه‌های هر تمدنی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری هستند. علم، دین و هنر، عناصر ذهنی و معنوی یک تمدن در طول تاریخ تمدن هستند، تجلیات عینی آن‌ها همان مؤلفه‌های سخت‌افزاری تمدن هستند و شامل مواردی مانند جمعیت انسانی، شهر (به معنی دولت و نظام سیاسی و هم سرزمین و هم خود شهرنشینی)، اقتصاد و فناوری می‌شود. نقش مؤلفه‌های نرم‌افزاری در حقیقت معنی و محتوا بخشی به رفتار یک گروه از انسان‌ها در طول تاریخ تمدن خاصی است؛ درحالی‌که مؤلفه‌های سخت‌افزاری نظام‌هایی هستند که رفتارهای این انسان‌ها را در درون و بیرون تنظیم می‌کنند؛ برای مثال فناوری شکل خاصی از رفتار انسان‌ها برای تولید است که همه‌ی افراد یک تمدن را به شکل نظام یافته‌ای به سمت تولید معینی هدایت می‌کند (نظم درونی) و آن‌ها را با همه‌ی افراد بیرون آن تمدن در آن شیوه‌ی تولید هماهنگ می‌نماید (نظم بیرونی). (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۴) اگر هر تمدنی بایستی دولت خود را بسازد، باید از تمدن اسلامی نیز چنین توقعی داشت. درحالی‌که دولت، در کنار برخی دیگر از اختصاصات، یکی از نشانه‌های تمدن است، فراتر از آن برخی از محققین باور دارند که اساساً تمدن بشری در کلیت آن در توجه به

- 1 . Traditional Method
- 2 . Case Study
- 3 . Statistical Analysis

دولت، وام‌دار تمدن ایرانی و تمدن اسلامی- ایرانی است. یکی از مظاهر تمدن اسلامی، میراث فعالیت‌های ملت‌های مسلمان در برپایی دولت است، پژوهشگران غربی بسیاری، از پدیده‌ی دولت‌های اسلامی و تشکیلات و ساختار اداری آن‌ها به‌عنوان پدیده‌های شگفت‌قرون‌وسطی یاد کرده‌اند. تا دوره معاصر، در دامان تمدن اسلامی و جغرافیای بزرگ آن از اسپانیا تا چین، نزدیک به چهارصد دولت برپا شده است. دولت‌هایی با ساختارهای تشکیلاتی مشترک که برآیند دیوان‌سالاری ایرانی و اسلامی بر مبنای مقتضیات فرهنگ اداری بومی و محلی هر منطقه بوده است. بر اساس مواد تاریخی، علم دولت در تمدن اسلامی پیش از اروپا شناخته شده است و دارای واژگان و اصطلاحات تخصصی است. از این علم بانام‌های علم مخزن، تراتیب‌الاداریه، السنظم الاسلامیه، در متون تاریخی تشکیلات اسلامی یاد کرده‌اند. (شهیدی پاک، ۱۳۹۸، ص ۱۴۳) با چنین پیشینه‌ای و در چنین بستر نظری تمدنی، امکان مقایسه‌ی دو دولت ممکن و بلکه ضروری است، در اینجا در برخی از محورهای زیر آن‌ها را به مقایسه خواهیم گذارد.

۴. تعریف دولت

هر تعریفی از دولت در سیاست، به‌اندازه‌ای کلی است که هر دو دولت را در بر بگیرد، مثلاً تعریف معروف وبر که پیشتر اشاره شد، هم دولت‌های جدید و قدیم و هم دینی و غیردینی، در این تعریف می‌گنجد. (بشیری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶) همچنین این تعریف از دولت که بالاترین اراده‌ای است که سایر اراده‌ها باید در مسیر او قرار بگیرند، هم شامل دولت مدرن و هم دولت قدیم است. (افضلی، ۱۳۹۵، ص ۲۰) درعین حال دولت، جدا از این تعاریف عام، ناظر به حاکمیت و حکومت کردن که در همه‌ی الگوها جاری هستند، در دو الگوی غربی و اسلامی آن دارای مضامینی هستند که افاده تعاریف مستقل می‌کنند. یک مضمون کاملاً جداکننده، «مرجعیت دین» است، درحالی‌که معیار دینی بودن یک دولت دینی، استناد به دین و پذیرش مرجعیت دین در زندگی سیاسی است و دولت دینی، دارای حکومتی است که مرجعیت دین خاصی را در عرصه‌ی سیاست و اداره‌ی جامعه پذیرفته و نهادهای مختلف خود را در پیشگاه آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهب خاصی از یک دین، متعهد می‌داند، در نظر باورمندان چنین حکومتی، ایجاد حکومت دینی در جهت خواست الهی، برای عملیاتی شدن احکام الهی است. (دهقانی، ۱۳۸۸، ص ۹۱) دولت در الگوی غربی، نه تنها

چنین مرجعیت و جایگاهی را برای دین قائل نیست که برای زدودن چنین جایگاهی و قدسیت از آن با ادعای حداقل گرای کوشش می‌کند. در مورد جمهوری اسلامی به‌عنوان یک الگوی حکومت دینی تحقق‌یافته با نظریه‌ی امت و امامت در ایران، همچنان مسأله کانونی، چگونگی جریان نظریه امت و امامت در ساختار است. برخی از حقوق‌دانان قانون اساسی ایران مانند محمد هاشمی، جمهوری اسلامی را در بستر نظریه‌ی دولت-ملت تحلیل می‌کنند و برخی دیگر مانند عباس کعبی با قاطعیت از نظریه امت-امامت به‌عنوان زیربنای سیاسی قانون اساسی ایران سخن می‌گویند. قانون اساسی ایران داعیه‌دار حکومتی است که سعی دارد بر اساس شریعت اسلامی اداره شود؛ پس منطقی است که قانون اساسی باید زیربنای متناسب با آن را برگزیند. از سوی دیگر برخی از فقیهان مانند آیت‌الله بهشتی معتقدند که نظام امت-امامت ساختار سیاسی حکومت اسلامی و آرمان آن است. در نتیجه باید قانون اساسی ایران هماهنگی حداکثری با این نظریه داشته باشد، در غیر این صورت نیازمند بازنگری و اصلاح برای تحقق این هدف است. (نیکونهاد و مکارم، ۱۳۹۹، ص ۷۲)

یکی از محورهای مهم انقلاب اسلامی، واردکردن عناصر امت و امامت، در متن و بطن نظام سیاسی نوین و بنابراین آفرینش دولت اسلامی است. گفتمان انقلاب اسلامی از یک‌سو، قرائت‌های اسلامی رادیکال (داعش)، محافظه‌کار (اسلام آمریکایی) و لیبرال (نواندیشان دینی) را غیر اصیل می‌داند و از سوی دیگر می‌کوشد اصالت و حقانیت خود را در مقابل گفتمان‌های غیر اسلامی همچون لیبرال دموکراسی حفظ نماید. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۴۰) آنچه روشن می‌نماید این است که ظرف دولت-ملت برای گنجانده شدن دولت اسلامی در متن و مناسبات آن کوچک است.

۵. مبدأ دولت

مؤلفه‌های دینی و قدسی، در کنار خویشاوندی، عوامل اقتصادی، کشاکش‌ها، جنگ‌ها و نیاز به قدرت سیاسی تبیین‌کننده پیدایی دولت هستند. (عالم، ۱۳۹۴، ص ۲۱۰-۲۰۹) ایجاد هم‌پیوندی نظم زمینی با نظم آسمانی، از نقاط آغازین تولد دولت در تاریخ و در دوره‌ی اساطیر و مخصوصاً اسطوره‌های کهن شرقی و آریایی بوده است، تقریباً در همه‌ی اندیشه‌های سیاسی باستان اعم از تمدن‌های بین‌النهرین، چین، هند، مصر و ایران نشانه‌هایی برای این کیهان محوری می‌توان جست.

آرمان هماهنگی جامعه با نظام حاکم بر کائنات، یکی از حلقه‌های اصلی سراسر اندیشه‌های سیاسی ایران از نخستین اسطوره‌های کهن آریایی تا به حال و از عوامل و عناصر پیوستگی و تداوم فرهنگی ایران زمین دانسته شده است. در ایران، هیچ حوزه و شاخه‌ای از اندیشه سیاسی، چه پیش از اسلام و چه بعد از آن، نبوده که به نحوی با آرمان یادشده پیوستگی نداشته باشد. شاهی آرمانی در اندیشه‌ی ایرانشهری، نظریه امامت شیعی، حاکم حکیم فارابی، نظام شاهی موردنظر خواجه نظام الملک و حکیم اشراق سهروردی از جمله نظریاتی است که به وجه بارزی، چنین هم پیوندی را با شیوه‌ی خاص خود پژواک داده‌اند. (دیلم صالحی، ۱۳۸۴، ص ۹) نظریه دولت-ملت با تفکیک نظام جامعه از هستی برای بریدن همین پیوند متولد شد و نظریه امت-امامت به‌عنوان یکی از الگوهای دولت دینی، چشم به این هم پیوندی آغازین یعنی پیوند جامعه با نظام هستی توحیدی و طرح رهبری سیاسی به‌مثابه نقطه پیوند (دیلم صالحی، ۱۳۸۴، ص ۱۰) دارد.

۶. پایه‌های دولت

دولت مدرن، میراث مدرنیته است و خود مدرنیته در وجه فلسفی اش سه اصل اساسی دارد: نخست، دنیاگرایی (سکولاریسم) یعنی تعقیب اهداف دنیایی است. اصل دیگر، فردگرایی است که بیشتر بر فرد تاکید می‌کند. سوم هم خردگرایی است که بیشتر همان عقلانیت ابزاری است. دولت-ملت، از لحاظ مبانی نظری مبتنی بر همین اصول است تا دولتی که در پرتو آن شکل می‌گیرد، این چنین غیردینی و تا حد زیادی ماتریالیستی، دنیایی‌تر و هم محدود شود و دخالت و اقتدار آن در حوزه‌ی سعادت فردی کاملاً از بین برود. (بشیریه، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵-۱۸۴) اما «هم پیوندی دین و دنیا و آخرت»، «جمع‌گرایی» مانند گرایش به امت و «عقلانیت دینی» یعنی عقلانیت در پرتو «اسلام تدبیر و تفکر، اسلام توجه و توکل به خدای متعال، اسلام جهاد، اسلام کار و اسلام اقدام» (بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰)، پایه‌های دولت اسلامی هستند تا دولتی که در پرتو آن‌ها شکل می‌گیرد، مسئول در برابر سعادت واقعی یعنی دنیوی و اخروی انسان‌ها با برنامه‌ای مبتنی بر دین و تجربیات بشری و البته مسئول در برابر مسائل امت اسلامی باشد.

۷. تحول دولت

سیر تاریخی و کلاسیک تحولات تاریخی ناظر به دولت در دوره‌های دولت‌شهرهای یونانی، (دولت ملی یا) دولت-ملت و استغالیایی و دولت مدرن است و بالاخره تحولات دوره‌ی پسامدرن و عصر جهانی شدن است (حبیبی، ۱۳۹۹، ص ۷۸) که ابعاد و سویه‌ها و تأثیرات این مورد آخر بر دولت در دست مطالعه و بررسی دانشمندان است. از نظر برخی از نویسندگان، باینکه دولت ملی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تکوین و گسترش پدیده‌ی جهانی شدن بوده است، با این وجود، موجب تضعیف جایگاه سنتی خود دولت ملی شد. ما امروزه شاهد این واقعیت هستیم که فرآیند جهانی شدن با پیشبرد چهار نیروی عمده‌ی جهان‌وطن‌گرایی، رژیم‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، بازار آزاد و هویت‌های نورسته، دولت ملی را با چالش‌های بزرگی مواجه کرده است. (صادقی زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱) تحولات بنیادینی در مفهوم دولت، تا اندازه انقلاب مفهومی رخ داده است، امروزه دیگر دولت‌ها صرفاً تعیین‌کننده‌ی امنیت و نظم جامعه نیستند و کارکرد اولیه خود را از دست داده‌اند، چه از منظر کلاسیک هابزی و چه از منظر مفهوم پساستغالی (دولت مدرن)، دولت‌ها متحول شده‌اند. با حضور دولت در عرصه‌های عمومی، افزایش نقش دولت در زندگی فردی، بازیگری و بازی‌سازی دولت در فضاها، مجازی به همراه شکست انحصار حاکمیتی دولت از پس بازیگری بازیگران فرادولتی و سازمان‌های بین‌المللی، چهره‌ای نوین از دولت نمایان شده است. تحولات در پی جهانی شدن، ظهور اینترنت، بازیگری بازیگران فرادولتی، تروریسم و محیط‌زیست، تحولات اساسی در اقتصاد و نوع بازارها، افزایش نفوذ حوزه‌ی عمومی و رسانه‌ها، گسترش تکنولوژی و دانش، افزایش تبادلات فرهنگی و... باعث دگرگونی و تحول بنیادین در عناصر دولت شامل حاکمیت، سرزمین و جمعیت، همچنین در وجوه دولت شامل اقتدار، مشروعیت، مقبولیت و قدرت شده است. (حبیبی، ۱۳۹۹، ص ۹۳-۹۲) هرکدام از این نقاط عطف، باردار تقریری از دولت امروزین غربی است. تحول دولت در اسلام، با دولت نبوی (ص) و خلافت راشدین و مناسبات قبیله‌ای حاکم بر آن آغاز شد و بعدازآن در قالب دو حکومت شیعی امام علی (علیه‌السلام) و امام حسن (علیه‌السلام) در مقطعی کوتاه مدت جلوه یافت و بعدازآن در قالب‌های بیشتر اهل سنت دولت‌های اموی، عباسی، عثمانی و دولت‌های شیعی آل‌بویه، صفویه، مشروطه تا جمهوری اسلامی ایران در عصر کنونی و در دل تحولات و متن و بطن تاریخ اسلام تداوم و تحول یافته است.

۸. کارکرد و آیند و روند دولت

جدا از وظایف ذاتی دولت‌ها در تأمین امنیت داخلی و مرزی و برقراری نظم و تضمین قراردادهای که وظایف یک دولت حتی حداقلی به تعبیر رابرت نوزیک نیز است (ر.ک: سرپرست سادات، عابدی رنایی، ۱۳۹۵، ص ۱۰)، یا کارویژه‌های عمومی دولت مانند ایجاد همبستگی، حل کشمکش‌ها و منازعات، دستیابی به اهداف کلی حکومت و تطبیق با شرایط جدید (بشیریه، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱-۱۰۸)، دولت‌ها سیمای دیگری نیز در حوزه‌ی کارکرد از خود عیان کرده‌اند که چند وجه آن در اینجا قابل اشاره است، البته به همه تعابیر نمی‌توان در اینجا اشاره کرد و به یک مورد بسنده می‌شود، مثلاً دولت در اندیشه‌ی گرامشی، بازوی اجرایی جامعه مدنی و در واقع، عرصه‌ای که جامعه مدنی صورت نهایی خودش را پیدا می‌کند. به بیان خود گرامشی، هر دولتی اخلاقی است، زیرا همواره، یکی از مهم‌ترین وظایف دولت، ارتقای سطح اخلاق و فرهنگ توده‌ها به سطح یا سطح معینی است و ناگزیر در خدمت طبقات حاکم قرار دارد. یک طبقه مسلط در جامعه مدنی توانسته است حقانیت ادعاهای فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی خودش را تثبیت کند، از مجرای نهادهای دولتی دست‌به‌کار بازتولید خودش در نظام‌های رسمی و غیر آموزشی می‌شود تا شرایطی را به وجود آورد که طبقات تحت سلطه در لحظه‌های بحرانی و در مقابل حفره‌هایی که در نظم نمادینی طبقاتی ایجاد می‌شود اعتماد خودش به امکان بازنگری صلح جویانه در مناسبات ایدئولوژیکی حاکم را از دست نداده و برانداختن این مناسبات ایدئولوژیکی را دنبال نکند. (ملک‌زاده، خالقی، ۱۴۰۰، ص ۳۲۲)

دولت اسلامی نیز از جمله در سه شأن، به این بیان ممتاز است: الف: پیش‌گیرانه از طریق دفع فساد و جلوگیری از بی‌نظمی‌ها همراه با اقدامات سامان‌بخش، اقتدارآور، استمراربخش و قدرت ساز مادی، معنوی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماعی ب: راهنمایی و تبیین‌گری از معارف و دانش‌هایی که به تأمین منافع و مصالح فردی و جمعی می‌انجامد و از اهدافی که توسعه کمی و کیفی و عمران حیات مادی و معنوی مسلمانان را در بردارد ج: امامت و هدایت و مدیریت توأم با تدبیر و تدبیر تا به شکل بهینه از امکانات استفاده شود و با بسیج شایسته، مفسد و جرایم و تهدیدات خوب شناخته شده و ذیل تدبیر و مدیریت مدبرانه دفع شده و بلکه تبدیل به فرصت شوند. دولت اسلامی خود را مأمور همان چیزی می‌داند که خداوند متعال در سوره‌ی حدید آیه

۲۵ فلسفه‌ی نبوت خوانده است. دولت اسلامی همان را پایه و اساس دولت کارآمد می‌شناسد. در فراز «و انزلنا معهم الكتاب» جعل قانون و مقررات را یادآور نموده است و در «المیزان»، امر قضاوت و داوری را و در «انزلنا معهم الحديد فيه بأس شديد» به قدرت و نیروی اجرا و ابزار تحکیم قانون و در «ليقوم الناس بالقسط» (حدید/۲۵) فلسفه و هدف از حکومت را یعنی قسط را که به وسیله امامت جامعه عملیاتی می‌شود بیان نموده است. (یوسفی راد، ۱۳۹۹، ص ۱۴۴) برخی، با توجه به حجم انبوه اندیشه ورزی مسلمین در مورد ماهیت و غایت دولت به ویژه در قرون وسطی، آثار تمدن اسلامی در علم دولت را که همواره تاکید بر تطبیق دولت با ارزش‌های اخلاقی دارند، در ذیل نظریه‌های کثرت‌گرا در مورد دولت‌ها ارزیابی می‌کنند. (شهیدی پاک، ۱۳۹۸، ص ۱۴۳) دولت اسلامی با ویژگی‌هایی چون مردمی بودن، خیرخواهی و عشق به مردم، توسعه‌ی معرفت الله جل جلاله، امنیت، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی، ایجاد روح اعتمادبه‌نفس و خودباوری، آزادی و مشارکت مردمی و استقلال و نفی هر نوع وابستگی به بیگانه، پاسدار مصالح مردم، کشور و اسلام با تشخیص ولی امر بعد از مشاوره با کارشناسان (ر.ک: نوری، ۱۳۹۷، ص ۱۴۴) مرکز ثقل و هسته‌ی مرکزی گفتمان خود را بسط و حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام‌گرایی می‌داند که البته هرگز به معنای نادیده گرفتن و عدم توجه به واقعیت‌های موجود در عرصه‌ی سیاست خارجی و بین‌المللی نیست. اسلام‌گرایی بدین معناست که با توجه به ماهیت اسلامی و نظام سیاسی برخاسته از آن، اسلام مهم‌ترین عنصر قوام‌بخش دولت اسلامی است و نقش و کارکرد آن را در حوزه‌های داخلی و خارجی متناسب با اهداف الهی تعیین و تعریف می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای آرمان‌های فراملی اسلامی مانند استکبارستیزی و دفاع از مستضعفین، سیاست خارجی خود را متمایز از دولت - ملت تنها تعریف کرده است. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۵۳)

۹. آسیب‌شناسی دولت

یکی از حوزه‌های مهم مقایسه‌ی دو دولت، از حیث آسیب‌ها است. آسیب‌های دولت اسلامی بسی بیشتر از دولت‌های سکولار است، جدا از این‌که همه‌ی آسیب‌های دولت مخصوصاً از حیث ناکارآمدی‌ها و استیلاهای اهل زر و زور و تزویر با ابزارهای نوین مانند رسانه که گاه بنیاد نظام‌های

دموکراتیک را نیز بی‌اعتبار می‌سازند، متوجه دولت اسلامی نیز است، دولت اسلامی آسیب‌های خاص خود را نیز دارد. تهدیدات دولت اسلامی عبارت‌اند از: دوری از خدا، دوری از دین و شریعت، بی‌تدبیری، بی‌عدالتی، افراط‌ها و تفریط‌ها. (یوسفی راد، ۱۳۹۹، ص ۱۴۹-۱۴۴) دولت اسلامی، اگر در تعیین مسیر حرکت خود، مسیر صحیح و واقعی را اختیار نکند و به انحراف رود، در بقا و در دستیابی به اهداف و آرمان‌های خود، تهدیدات درونی و بیرونی را متوجه خود خواهد کرد. آن چیزی که می‌تواند چنین دولتی را از خطر انحراف و روآوری به افراط و تفریط و ظلم بازدارد، پیگیری اهداف عدالت‌خواهانه و آرمان‌های متعالی دولت اسلامی در تحقق اسلامیت و تعالی انسان‌ها است. (ر.ک: یوسفی راد، ۱۳۹۹، ص ۱۳۸) «پایداری»، در راه آبادانی دین، دنیا و آخرت مردمان، با احتراز از افراط‌ها و تفریط‌ها و شناخت درست مسأله‌ها و اطراف مسأله‌ها و خاصه سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های کلان مردم پایه و اسلام پایه، مبارزه‌ی قاطع با ویژه خواری‌ها، رانت جویی‌ها، خویشاوند سالاری‌ها، پیرسالاری‌ها و آقازادگی‌ها و به‌طور کلی مبارزه با فقر، فساد و تبعیض، موجبات دوری از آسیب‌ها می‌شود.

۱۰. تکامل دولت

دولت به‌خودی‌خود و در یک‌شب یا با معجزه آفریده نمی‌شود، دولت در تمدن غربی در طول تاریخ درازای خود، تطورات بسیاری را طی کرده است، گذار از سلطنت و آنچه که به اسم دولت مسیحی در قرون وسطی جریان داشته است تا رسیدن به الگوی دموکراتیک و کوشش برای تعمیق مناسبات دموکراتیک، در تکامل دولت در غرب تأثیرگذار بوده و است. دولت اسلامی نیز صورت آرمانی خود را جز مقاطع اندکی که به حضور خود پیامبر اعظم و حضرت علی (علیه‌السلام) و امام حسن (علیه‌السلام) بر می‌گردد، تجربه نکرده است، هرچند هر سه معصوم بزرگوار نیز بیشتر وقت تصدی‌گری خود را به آفرینش یا استقرار یا اصلاح دولت پرداختند. دولت در الگوی جمهوری اسلامی نیز در بیان و اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای، هنوز استقرار نیافته است، بلکه آن چیزی که وجود دارد یک نظام سیاسی اسلامی است که با انقلاب شکوهمند ملت ایران در سال ۱۳۵۷ برپاشده است، دولت در نظر رهبری، ماهیتی کاملاً اسلامی دارد و با الگوگیری از دولت نبوی (ص) و دولت علوی (ع) و متناسب با شرایط امروزی شکل می‌گیرد و دارای ویژگی‌ها،

شاخص‌ها و وظایف مهمی است که باید از عهده آن‌ها برآید. رهبری، ایجاد دولت اسلامی را در نسبت با ایجاد جامعه اسلامی تعریف می‌کند: «دولت اسلامی؛ یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی.» در اندیشه ایشان، دولت اسلامی مرحله‌ای بالاتر از شکل‌گیری نهادها و ارکان رسمی حکومت بوده و در واقع به انطباق محتوای نظام و جهت‌گیری و رفتار کارگزاران آن با ملاک‌ها و معیارهای اسلامی برمی‌گردد. با توجه به این مهم، می‌توان به جایگاه قوه‌ی مجریه پی برد؛ زیرا ایشان دستگاه اجرایی اسلامی را یکی از اهرم‌های استقرار عدالت بیان می‌کند و باور دارد که قوه‌ی اجرایی با اعمال نفوذ و قدرتی که داراست، باید مظهر حاکمیت اسلامی باشد؛ به این معنا که در محدوده‌ی قوانین و اصول اسلامی در جامعه حضور دائمی داشته باشد و علاوه بر دیدن و شناختن تخلفات، از آن‌ها جلوگیری کند و همچنین مانع بغی، طغیان و تعدی شود. کارکرد اقتصادی دولت اسلامی، وظیفه‌ی تربیتی دولت اسلامی با اداره و هدایت صحیح مردم، به رشد رساندن و به تکامل الهی رساندن مردم (نوری، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵ و ۱۵۸-۱۵۷)، تحول معنوی و اسلامی شدن روش و منش کارگزاران، از مؤلفه‌های مهم تشکیل دولت اسلامی از منظر رهبری است. (کشفی، ۱۳۹۸، ص ۵) تکامل دولت این چنین به تطبیق حداکثری و پیوسته با مبانی، هماهنگی با «نظام هستی توحیدی» و «تحقق بخشی به غایات خود» است.

۱۱. غایت دولت

از آنجاکه دولت‌ها برخاسته از نظام‌های سیاسی متفاوتی هستند و هر نظام سیاسی، نگاه خاص خود را به انسان، جهان و عالم هستی دارد، می‌توان گفت دولت‌ها نیز با توجه به نظام سیاسی متفاوتی که از آن سر برآورده‌اند، تمایز می‌یابند؛ در نتیجه اهداف و وظایف دولت‌ها از هم افتراق می‌یابند و هر دولتی در چهارچوب نظام سیاسی برخاسته از آن به دنبال تحقق اهداف خود است. در این بین، نظام سیاسی اسلام، اهداف و مبانی خاص خود را دارد و با توجه به همین مبانی و اصول نیز دولت اسلامی متناسب با آن شکل می‌گیرد. (نوری، ۱۳۹۷، ص ۱۳۸) انقلاب اسلامی دارای هدف میانی تشکیل جامعه و تمدن اسلامی به‌عنوان بستر و الگو برای هدف نهایی یعنی تربیت انسان و رشد کمال او تا رسیدن به لقا الله است (کشفی، ۱۳۹۸، ص ۵) و دولت در این طریقت، موضوعیت خود را به دست می‌آورد، در واقع، آنچه پراهمیت است، وجه ابزاری بودن

دولت در الگوی اسلامی است. برخلاف الگوی رقیب که تمرکز خود را تعقیب اهداف مادی و این جهانی قرار داده و گاه قدرت برای قدرت در دامان آن جستجو می‌شود، در الگوی اسلامی و شیعی دولت، قدرت برای قدرت موضوعیت ندارد، به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای: «حکومت ماهیت مقام و منصب در اسلام ندارد، بلکه مسیری برای رساندن جامعه به تعالی در تمام ابعاد است: امیرالمؤمنین برای حکومت یک شأن واقعی قائل نیست؛ حکومت برای علی (ع) یک هدف نیست؛ برای او، حکومت ارزشی ندارد، بازهم حاضر نیست برای به دست آوردن یک مقام، یک جاه، از ارزش‌ها بگذرد؛ اما وقتی احساس می‌کند که وظیفه است، احساس می‌کند زمینه آماده است و او می‌تواند این نقش عظیم و اساسی را بر عهده بگیرد، آن وقت قبول می‌کند.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۳/۲۲) «یعنی امیرالمؤمنین می‌گوید: من قدرت را به خاطر قدرت نمی‌خواهم... اگر قدرت برای مبارزه با ظالم در همه‌ی ابعاد ظلم و ستم - داخلی، اجتماعی و اقتصادی که حادثترینش است - می‌باشد، خوب است.» (بیانات در دیدار دانشگاهیان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶) از منظر امام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) حکومت هدفمند است و ابرازی برای تحقق ارزش‌های الهی چون اجرای قانون خدا، عدالت، احقاق حق، دفع باطل و رعایت حقوق مردم است. حکومت مادی نزد حضرتش ارزشی ندارد، مگر آن‌که وسیله‌ی تقرب به خدا و بازگرداندن متجاوزان به پشت مرزهای قانون و دستگیری از محرومان بی‌پناه باشد. امام برای چند روز بیشتر ماندن بر سر قدرت شمشیر نمی‌زد، بلکه برای حق و دفاع از انسانیت تیغ می‌کشید و کرامت و شرافت اسلامی را در زیر سایه‌ی شمشیر و جهاد با متجاوزان می‌بیند. حکومتی این چنین و اهدافی چنان والا، همواره بر تارک تاریخ سیاسی جهان می‌درخشد و بدون استثنا باید الگو و سرمشق همه‌ی جوامع بشری و بیشتر از همه مدعیان راه و سلوک او قرار گیرد. (حق پناه، ۱۳۷۹، ص ۱۹۲) درهرحال، فلسفه‌ی دولت اسلامی، اقامه‌ی حق و عدل، بازگرداندن نشانه‌های فراموش شده و احکام تعطیل شده، اصلاح در شهرها، امان یافتن مظلومان و محرومان، عمل بر طبق کتاب خدا و سیره‌ی پیامبر (ص)، دفع باطل و گرفتن حقوق محرومان است. (حق پناه، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵)

۱۲. ساختار دولت

ناظر به غایات یادشده و به‌طورکلی برای تحقق دین در جامعه و رسیدن به اهداف و آرمان‌های

شریعت، دولت اسلامی برپا می‌شود. در واقع دین اسلام از فحشا، منکرات و بغی نهی می‌کند. «بغی» نیز به معنای ظلم کردن و از حقوق خود تجاوز کردن است. از طرفی امر خدا فقط امر زبانی نیست و نهی خدا نیز فقط نهی ارشادی نیست که با گفتن تحقق یابد، بلکه امرونهی خدا با شکل‌گیری نظام اسلامی و با قوام جامعه اسلامی صورت می‌گیرد. این امر مهم هم جز با اختیارات حکومت اسلامی و دستگاه اجرایی و دولت اسلامی امکان‌پذیر نیست. (نوری، ۱۳۹۷، ص ۱۳۸) دولت اسلامی، هم برای تحقق اسلام دارای ضرورت شرعی است و هم برای رساندن انسان‌ها به سعادت و رفاه، دارای ضرورت مدنی و تمدنی است که مبتنی بر اصل تکوین و فطرت انسانی می‌باشد، رسالت و مسئولیت اساسی این دولت، تحقق نقش خلافت الهی انسان در زمین و رساندن او به سعادت حقیقی است، بنابراین حیطة اختیارات آن نیز تابعی از رسالت و مسئولیتش می‌باشد، بنابراین دولت اسلامی نماینده مصالح عمومی از یک سو و مصالح شریعت از دیگر سو است. (جمشیدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱ و ۱۰۹) همین‌ها موجب تفاوت ساختاری است و برای تحقق اهداف والای دینی، قوانین شریعت و اصل ولایت فقیه به‌عنوان ارکان رکنین در ساختار دولت اسلامی در الگوی جمهوری اسلامی، منطبق و ضرورت یافته است. اما دولت غربی، ساختار خود را در راستای تأمین اهداف مادی و این جهانی قرار داده و با جدایی دین از سیاست و گسیل دین به حوزه‌ی خصوصی در ساختار خود عناصر دینی، قوانین دینی، مسئولیت و مسئولین دینی را برنمی‌تابد.

۱۳. آینده دولت

دولت الهی با مستضعفین، آینده محتمل دولت در بیان قرآنی است، این به معنای بی‌اعتباری سکولاریسم در آینده بشریت است. امروزه الگوی دولت غربی با انواع بحران‌ها در گریبان است و انسان‌ها در سطوح زندگی جمعی و فردی خود، نیازمند بنیان‌های قدرتمندتری برای الگوها و نظریه‌های جدید زیستمان خود هستند، حتی اگر جهانیان به این زودی، مرگ سکولاریسمی را که حیات خود را بر مرگ خداوند نیچه‌ای، استوار ساخته است، هم نبینند، اما افسوس آن را خواهند دید، دست‌کم، ترمز آن در متن ادیان و کشورهای که نمی‌توانستند با سکولاریسم میانه‌ای پیدا کنند، کشیده می‌شود. به‌طور مشخص، درباره‌ی اسلام حتماً باید تأکید شود که به تعبیر شجاعی

زند، «برخلاف مسیحیت که دینی «تجزی گرا» و «آخرت گرایانه» است، اسلام یک دین «اندماجی» و «دنیاپذیر» است و از آنجاکه اسلام دین «تمام مردم» و «تمام زندگی» است، لاجرم نمی‌تواند نسبت به «محیط اجتماعی مومنان» و عناصر شکل‌دهنده‌ی آن بی‌تفاوت بماند؛ لذا مسلمانان هم از طریق آموزه‌های مندرج در متون مقدس و هم از مجرای سیره‌ی بنیانگذار و تابعین نخستین، به «فعال بودن» در حیات اجتماعی خویش توصیه شده‌اند.» (به اعتقاد مسلمانان، ظرفیت‌های عظیم این آیین در به هم آویختن جنبه‌های گوناگون حیات و در برگرفتن ابعاد مختلف وجودی انسان و در پیش نهادن مسیر اعتدال و میانه‌روی، ناشی از «اکمال و اتمام دین» در دوره‌ی بلوغ بشری است.) (زارعی، سرپرست سادات، ۱۳۹۹، ص ۲۳۹-۲۳۸) انقلاب اسلامی در ایران که به نام اسلام و با شعار «الله‌اکبر» و بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری اسلام‌گرا استوار بود، باعث شد تا مسلمانان سراسر جهان شاهد اوج گرفتن مفهوم هویت اسلامی و بازگشت به غرور و اقتدار در دنیایی شوند که تحت سلطه‌ی ابرقدرت‌های مادی قرار داشت. (تاجیک و درویشی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۲)، این انقلاب با نظام سازی و حرکت در مسیر دولت سازی، گام بزرگی برای آینده‌ی الهی بشریت برمی‌دارد و می‌تواند با کارآیی و کارآمدی در سطوح مختلف، بر بستر رضایت مردمی و توسعه متوازن و پویا و مستمر در تأسیس یا احیای تمدن اسلامی بیشترین گام‌ها را بردارد.

جدول (۱): مقایسه‌ی دولت در سپهر تمدنی اسلامی و غربی

ردیف	محورهای مقایسه	دولت غربی	دولت اسلامی
۱	تعریف دولت	دولت حداقلی و غیرقدسی	مرجعیت دین اسلام را در عرصه سیاست و اداره جامعه پذیرفته و نهادهای مختلف خود را در پیشگاه آموزه‌ها و تعالیم دین، متعهد می‌داند، ایجاد حکومت دینی در جهت خواست الهی، برای عملیاتی شدن احکام الهی است.
۲	مبدأ دولت	گسست جامعه از نظام کائنات و قدسی زدایی در همه سطوح	پیوند جامعه با نظام هستی توحیدی و طرح رهبری سیاسی به مثابه نقطه پیوند
۳	پایه‌های دولت	دنیاگرایی، فردگرایی، عقلانیت ابزاری	هم پیوندی دین و دنیا و آخرت، جمع‌گرایی، عقلانیت دینی

ادامه جدول (۱): مقایسه‌ی دولت در سپهر تمدنی اسلامی و غربی

ردیف	محورهای مقایسه	دولت غربی	دولت اسلامی
۴	تحول دولت	در دل تحولات دولت‌شهرهای یونانی، دولت ملی و ستفالیایی و دولت مدرن و تحولات دوره پسامدرن و عصر جهانی شدن	در دل تحولات و متن و بطن تاریخ اسلام از مناسبات قبیله‌ای تا مناسبات مذهبی تشیع و تسنن
۵	کارکرد و آینده و روند دولت	بازوی اجرایی جامعه مدنی در اندیشه گرامشی	اقامه قسط، اجرای شریعت، هدایت‌گری و تعهد اخلاقی، بسط و حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام
۶	آسیب‌شناسی دولت	ناکارآمدی و استیلاهی اصحاب زر، زور و تزویر از جمله برای بی‌معنا ساختن خود دموکراسی	ناکارآمدی و استیلاهی اصحاب زر، زور و تزویر، دوری از خدا، دوری از دین و شریعت، بی‌تدبیری، بی‌عدالتی، افراط و تفریط
۷	تکامل دولت	با گذار از سلطنت و آنچه که به اسم دولت مسیحی در قرون وسطی جریان داشته است تا رسیدن به الگوی دموکراتیک و تعمیق مناسبات دموکراتیک	تحول معنوی و اسلامی شدن روش و منش کارگزاران، تطبیق حداکثری و پیوسته با مبانی، هماهنگی با «نظام هستی توحیدی» و «تحقق بخشی به غایات خود»
۸	غایت دولت	از قدرت برای قدرت تا اهداف مادی و این جهانی	دولت ابرازی برای تحقق ارزش‌های الهی چون اجرای قانون خدا، عدالت، احقاق حق، دفع باطل و رعایت حقوق مردم
۹	ساختار دولت	جدایی دین از حوزه عمومی و سیاست و قدرت و نفی هر جایگاهی با عنوان دین در دولت	ضرورت شرعی و عقلی ولایت امر و رهبری دینی و قانون الهی
۱۰	آینده دولت	بحران‌های انسانی و معنوی در دامان دولت غربی و جستجوی بنیان‌های قدرتمندتری برای الگوها و نظریه‌های جدید زیستمان خود توسط شهروندان غربی	دولت الهی با مستضعفین، آینده محتمم دولت در بیان قرآنی

نتیجه گیری

مهم‌ترین مسأله‌ای که اپوزیسیون جمهوری اسلامی آن را دنبال می‌کند، تحول دولت در ایران از «دولت اسلامی» به «دولت سکولار» است؛ این دقیقاً به معنی زدودن همه‌ی ویژگی‌های اسلامی است که جمهوری اسلامی را از دولت غربی و سکولار متمایز می‌سازد که این نوشته برخی از آن‌ها را برجسته ساخت؛ مواردی چون «غایت سعادت دین، دنیا و آخرت در دولت»، «ابزاری دانستن قدرت»، «حاکمیت مکتب»، «ولایت مکتبی و ولی امر»، «حضور به‌عنوان امت»، «علقه مکتبی»، «تعالی و رشد و راهبری و هدایت مکتب و ولایت»، همچنین به معنای ادغام از حیث سیاسی در متن و بطن تمدن غربی است، آنچه که این نوع بررسی‌ها در بعد نظری گوشزد می‌کنند، احتراز از تعریف و قرار دادن دولت اسلامی در مناسبات دولت-ملت مدرن است. همچنین آنچه در بعد عملی مهم است این است که بدانیم بیش و پیش از همه‌ی عوامل، ناکارآمدی‌های داخلی می‌توانند اپوزیسیون را به هدف خود یعنی گذار از دولت امت - امامت یا دولت اسلامی با حذف مختصات دولت دینی به دولت سکولار برسانند، در این شرایط ضمن تأکید بر ارزشمندی این نوع مطالعات و بسط و تعمیق آن‌ها از جمله دو راهکار مهم قابل تأکید است: ۱. هم‌رنگی دولت و ملت در ارزش‌ها، مبادی و مبانی و در واقع تلاش برای تحقق غایی اصول و ارزش‌های برآمده از ماهیت اسلامی انقلاب ایران نظیر همه‌ی آنچه که در این سال‌ها رهبران و پژوهشگران گفته‌اند: اعتقاد به الهی بودن مبدأ و مقصد انقلاب (اصل خدامحوری)، باور به ذی‌مدخل بودن اراده و آزادی انسان‌ها در چارچوب مشیت الهی (اصل حق تعیین سرنوشت انسان‌ها)، جریان واقعی اسلام به‌مثابه‌ی شیوه‌ی زندگی تمام‌عیار (اصل درهم تنیدگی دیانت و سیاست)، عملیاتی‌سازی مبارزه توأمان با صاحبان زر و زور و تزویر (اصل ظلم‌ستیزی)، تحقق عدالت اجتماعی و گسترش معنویت به‌عنوان دو رکن ضروری و لاینفک انقلاب اسلامی (اصل عدالت‌خواهی و معنویت-گرایی)، تکریم انسان، چنان‌که در فرایند انقلاب، مخاطب همه‌ی آحاد جامعه‌ی بشری به‌دوراز هرگونه تعلق مذهبی و قومی و نژادی و زبانی بود (اصل عام بودن مخاطبان) (ر.ک: تاجیک و درویشی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷). ۲. تلاش برای تقویت مشروعیت نظام سیاسی با تحقق همه‌ی ظرفیت‌های مردم‌سالاری دینی و ظرفیت‌های جمهوریت در قانون اساسی که موجبات کارآمدی بیشتر نظام سیاسی می‌شود و در این راستا تلاش جدی برای ارتقای همگرایی، همسازی، انسجام

ملی و برطرف کردن محرومیت‌ها از طریق برنامه‌های توسعه پایدار و همه‌جانبه، بهره‌گیری دقیق و برنامه‌ریزی شده از ظرفیت‌های قانون اساسی و جامعه‌ی نخبگانی کشور، گذار از رویکردهای امنیت محور، گسترش دانایی و آگاهی سازی، تحقق عملیاتی و فراگیر ارزش‌ها و هنجارها و ادعاها، مقابله‌ی فرهنگی، فکری و علمی با برنامه‌های قدرت‌های استکباری در درهم شکستن پیوند بین دولت و ملت در جمهوری اسلامی. به عبارت دیگر، اگر هدف انقلاب اسلامی چنان‌که در تعبیر رهبری معظم انقلاب اسلامی وجود دارد عبارت است از: «ساختن یک ایرانی مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها، برخوردار از آزادی اجتماعی، سیاسی و معنوی» (ر.ک: سیف، ۱۳۸۹، ص ۳۹)، تحقق همه‌ی آن‌ها موجبات حفظ و تقویت الگوی دولت اسلامی امت-امامت در ایران خواهد بود و چنان‌که در اندیشه‌ی حضرت امام خمینی وجود دارد، این شرایط جز با مؤلفه‌های کارآمدی نظیر قانون‌گرایی، مردم‌گرایی، شایسته‌سالاری، مصلحت‌گرایی و وحدت حاصل نمی‌شود (ر.ک: قاسمی، ۱۳۸۹)، این‌ها همه به معنای حضور تمدنی دولت اسلامی در حال و آینده بشریت خواهد بود که با اصرار بر سامان درست کارویژه‌های عمومی و مشترک این دولت با سایر دولت‌ها، کارآمدی‌ها و کارایی‌ها در سطح توقع از دولت اسلامی و پاسداشت و تکریم نقاط تمایز در هر دو حوزه‌ی «تبیین» و «عمل»، به دست آمدنی است.

منابع

- اکبری، یوسف، سیدفرشیدجعفری، حسن عیوض زاده (۱۳۹۹)، نقش دولتهای جمهوری اسلامی ایران و رهبر در رابطه دولت و مردم، پژوهشهای سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۱، زمستان (۴۵)، ۲۵۶-۲۳۳.
- افضلی، رسول (۱۳۹۵)، دولت مدرن در ایران، چاپ ۲، قم، دانشگاه مفید.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، اسلام: دولت قدیم و جدید، حکومت اسلامی، دوره ۲، تابستان (۴).

- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران، نگاه معاصر.
- پارسامهر، تقی (۱۳۹۹)، نقش دولت تمدنی در کارآفرینی: چهارچوبی برای آینده‌ی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، پاییز و زمستان (۶)، ۲۸۹-۳۲۲.
- تاجیک، محمدرضا، درویشی، فرهاد (۱۳۸۳)، آرمان‌های انقلاب اسلامی در عصر جهانی شدن: چالش‌ها و واکنش‌ها، جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، پاییز (۳)، ۱۷۱-۱۴۰.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴)، نظریه دولت در اندیشه علامه صدر، دولت پژوهی، سال اول، بهار (۱)، ۸۱-۱۱۱.
- حبیبی، امین (۱۳۹۹)، تحول در مفهوم دولت: بررسی تاریخی - تبیینی دولت پست‌مدرن، پژوهش ملل، دوره پنجم، آذر (۵۹)، ۹۳-۷۷.
- حسین پور، داود، شریف‌زاده، فتاح، قربانی زاده، وجه الله، زال، یوسف (۱۳۹۹)، مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی (با محوریت بیانات مقام معظم رهبری)، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، بهار و تابستان (۵)، ۸۶-۵۹.
- حق پناه، رضا (۱۳۷۹)، فلسفه مندی حکومت از دیدگاه امام علی (ع)، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، بهمن و اسفند (۲۶)، ۱۹۲-۱۵۸.
- خرمشاد، محمدباقر، آدمی ابرقویی، علی (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن ساز، تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۲، تابستان (۶)، ۱۸۸-۱۶۱.
- دهقانی، رضا (۱۳۸۸)، دیپلماسی در تبعید، مناسبات دیپلماتیک دولت مهاجرت با دولت عثمانی در جنگ جهانی اول، تاریخ روابط خارجی، بهار و تابستان (۳۹-۳۸)، ۱۱۲-۹۱.

- دیلم صالحی، بهروز (۱۳۸۴)، *از نظم سیاسی تا نظم کیهانی در اندیشه ایرانی*، تهران، باز.
- زارعی، مجتبی؛ سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۹)، *کرونا چالش سکولاریسم، جستارهای سیاسی معاصر*، سال ۱۱، زمستان (۴)، ۲۴۲-۲۲۳.
- زرگر، افشین (۱۳۸۶)، *مدل‌های دولت سازی از مدل اروپایی تا مدل اوراسیایی، علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج*، سال ۴، پاییز (۷)، ۱۶۰-۹۷.
- سرپرست سادات، سیدابراهیم؛ عابدی رنانی، علی (۱۳۹۵)، *مفروضات انسان‌شناختی رابرت نوزیک و نقد اجتماع گرایانه مکتب‌تایر بر آن، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال ۸، زمستان (۴۸)، ۲۹-۹.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۴)، *دولت - ملت‌های مدرن و نسبت آن با منازعه، دولت پژوهی*، سال اول، تابستان (۲)، ۲۰-۱.
- سیف، الله مراد (۱۳۸۹)، *مفهوم شناسی الگوی بومی توسعه جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی بسیج*، سال ۱۳، پاییز (۴۸)، ۴۸-۵.
- شهیدی پاک، محمدرضا (۱۳۹۸)، *علم دولت در تمدن اسلامی از صدر اسلام تا تأسیس نخستین دولت جمهوری در ایران، مطالعات حقوقی*، پاییز (۳۴)، ۱۵۸-۱۴۳.
- صادقی زاده، سلمان (۱۳۹۴)، *چالش‌های دولت ملی در عصر جهانی شدن، دولت پژوهی*، سال اول، تابستان (۲)، ۱۳۴-۱۱۱.
- صادقی فسایی، سهیلا، ایمان منش، عرفان (۱۳۹۴)، *مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی: مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی*، راهبرد فرهنگ، بهار (۲۹)، ۹۱-۶۱.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۴)، *بنیادهای علم سیاست*، چاپ ۲۷، تهران، نی.

- قاسمی، فرج‌الله (۱۳۸۹)، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها از منظر امام خمینی (ره)، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۷، پاییز (۲۲)، ۱۷۷-۱۵۳.
- کشفی، سیداحمد (۱۳۹۸)، هدف و غایت حرکت انقلاب اسلامی و اهمیت شکل‌گیری دولت اسلامی با توجه به اندیشه مقام معظم رهبری، *فرهنگ پژوهش*، زمستان (۴۰)، ۲۹-۵.
- گل محمدی، احمد (۱۳۹۴)، مفهوم بندی وبری دولت، *دولت پژوهی*، سال اول، بهار (۱)، ۸۰-۵۷.
- ملک‌زاده، حمید، خالقی، احمد (۱۴۰۰)، بنیان ماتریالیستی امرسیاسی: نقد کتاب دولت و جامعه مدنی، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، سال ۲۱، شهریور (۶)، ۳۲۹-۳۰۷.
- نوری، عباس (۱۳۹۷)، ماهیت دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، *حکومت اسلامی*، سال ۲۳، زمستان (۴)، ۱۶۴-۱۳۴.
- نیکونهاد، حامد؛ مکارم، روح‌الله (۱۳۹۹)، تأملی بر چالش‌های نظام امت امامت در تلاقی با اقتضات دولت مدرن در نظم حقوق اساسی جمهوری اسلامی، *دانش حقوق عمومی*، سال ۹، تابستان (۲۸)، ۹۲-۷۱.
- هرسیج، حسین (۱۳۸۰)، روش مقایسه‌ای: چرایی و چگونگی به کارگیری آن در علوم سیاسی، *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان*، سال ۱۳، بهار و تابستان (۱)، ۱۷-۹.
- یوسفی راد، مرتضی (۱۳۹۹)، دولت اسلامی و ضرورت مقاومت با تأکید بر آموزه‌های قرآنی، *مطالعات علوم قرآن*، سال ۲، زمستان (۶)، ۱۵۹-۱۳۸.

منابع لاتین

- Weber, Max (1958[1919]), *Politics as a Vocation*, in *From Max Weber: Essays in Sociology*, tran. And ed. H. Gerth and C. Wright Mills, New York: Oxford University Press.

-<https://www.leader.ir/fa/archive?topic=speech>

References

- Akbari, Yousef, Seyed Farshid Jafari, & Hassan Ayvazzadeh (1399). The role of the governments of the Islamic Republic of Iran and the leader in the relationship between the government and the people. *Political and International Research*, 11 (45), 233-256.
- Alam, Abdolrahman (2015), Foundations of political science (27th edition). Tehran, Ney Publication.
- Afzali, Rasoul (2016). Modern government in Iran, (2nd Edition). Qom: Mofid University.
- Bashirieh, Hossein (1997). Islam: The old and the new Government. *Islamic Government*, 2, (4).
- Bashirieh, Hossein (2008). Teaching political science: Fundamentals of theoretical and founding political science. Tehran: Negahe Moaser.
- Dehghani, Reza (2009). Diplomacy in exile, diplomatic relations between the immigration Government and the Ottoman Government in World War I, *History of Foreign Relations*, 2 (38-39), 112-91.
- Deylam Salehi, Behrooz (2005). From political order to cosmic order in Iranian Thought. Tehran, Open Publication.
- Habibi, Amin (1399). Evolution in the concept of government: A historical-explanatory study of postmodern government. *Research of Nations*, 5, (59), 93-77.
- Ghasemi, Farjollah (2010). The efficiency of the Islamic Republic of Iran, characteristics and mechanisms from the perspective of Imam Khomeini, *Studies of the Islamic Revolution*, 7, (22), 153-177.

- Golmohammadi, Ahmad (2015). Weberian conceptualization of government. *Government Research*, 1 (1), 57-80.
- <https://www.leader.ir/fa/archive?topic=speech>
- Haghpanah, Reza (2000). The Philosophy of government from the viewpoint of Imam Ali (AS). *Islamic Social Research*, (26), 158-192.
- Harsij, Hossein (2001). Comparative method: what, why and how to use it in political science. *Journal of the Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan*, 13, (1), 9-17.
- Hosseinpour, Davood., Sharifzadeh., Fattah., Ghorbanizadeh, Vajehollah, & Zal, Yousef (1399). Components of public policy development in the Islamic state with the approach of modern Islamic civilization (focusing on the statements of the Supreme Leader). *Basic studies of Modern Islamic Civilization*, 3, (5), 86-59.
- Jamshidi, Mohammad Hossein (2015). Theory of government in the thought of Allameh Sadr. *Government Research*, 1, (1), 81-111.
- Kashfi, Seyed Ahmad (1398). The purpose and goal of the Islamic Revolution and the importance of the formation of the Islamic State according to the thought of the Supreme Leade. *Research Culture*, 4 (40), 5-29.
- Khorramshad, Mohammad Baqer, Adam Abarghavi, Ali (2009). Islamic Revolution, Civilization Revolution. Iranian Civilization University. *Iranian Cultural Studies* 2, (6), 161-188.
- Malekzadeh, Hamid, Khaleghi, Ahmad (2021). The materialist foundation of political science: A Critique of the book of government and civil society. *Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs*, 21, (6), 307-329.
- Nikoonhad, Hamed; Makarem, Ruhollah (1399). A Reflection on the challenges of the Imamate Ummah System at the Intersection with the requirements of the modern Government in the order of the constitution of the Islamic Republic. *Knowledge of Public Law*, 9, (28), 92-71.

- Nouri, Abbas (1397). The Nature of the Islamic State in the political thought of Ayatollah Khamenei. *Islamic Government*, 23, (4), 164-134.
- Parsamehr, Taghi (2016). The role of civilized Government in entrepreneurship: A framework for the future of the Islamic Republic of Iran. *Fundamental Studies of the New Islamic Civilization*, 3, (6), 289-322.
- Sadeghizadeh, Salman (2015). Challenges of the national government in the age of globalization. *Government Studies*, 2 (2), 111-134.
- Sadeghi Fasaei, Soheila; Imanmanesh, Erfan (2015). Methodological foundations of documentary research in social sciences: A Case Study: The effects of modernization on the Iranian family. *Culture Strategy*, 1(29), 61-91.
- Salimi, Hossein (2015). State-Modern nations and its relationship with conflict. *State Studies I*, (2), 20-1.
- Sarparast Sadat, Seyed Ibrahim; Abedi Renani, Ali. (2016), Robert Nozick's anthropological assumptions and McIntyre's socialist critique of it, *Political and International Approaches*, 8, (48), 9-29.
- Seif, Allah Morad (2010). The conceptology of the indigenous development model of the Islamic Republic of Iran. *Basij Strategic Studies*, Vol. 13, (48), 5-48.
- Shahidi Pak, Mohammad Reza (1398). The science of government in Islamic civilization from the beginning of Islam to the establishment of the first republican government in Iran. *Law Studies*, 3 (34), 158-143.
- Tajik, Mohammad Reza, & Darvishi, Farhad (2004). The ideals of the Islamic Revolution in the age of globalization: Challenges and reactions. *Sociology of Iran*, 5, (3), 171-140.
- Weber, Max (1958[1919]), *Politics as a Vocation*, in *From Max Weber: Essays in Sociology*, tran. And ed. H. Gerth and C. Wright Mills, New York: Oxford University Press.

- Yousefi Rad, Morteza (1399). Islamic State and the necessity of resistance with emphasis on Quranic teachings. *Studies in Quranic Sciences*, 2, (6), 138-159.
- Zarei, Mojtaba; Sarparast Sadat, Seyed Ibrahim (1399). Corona Challenge of Secularism. *Contemporary Political Studies*, 11, (4), 242-223.
- Zargar, Afshin (2007), Government-building models: From the European Model to the Eurasian Model. *Political Science Journal of Karaj Islamic Azad University*, 4, (7), 97-161.

